

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: مسلمانان شبه‌قاره هند در قرن بیستم میلادی از شیوه‌های متعددی برای تثبیت هویت اسلامی و تشکیل پاکستان بهره بردند. یکی از این روشها بازتاب عقیده و فرهنگ اسلامی در ماهنامه‌های متعدد از جمله ماهنامه طلوع اسلام بود. این ماهنامه در سال ۱۹۳۵م بنابر اشاره اقبال لاهوری تأسیس شد. اشعار بازتاب یافته او در ماهنامه طلوع اسلام در سطح واژگان، روایتگر گونه‌ای ایدئولوژی و اندیشه سیاسی بود که زمینه‌ساز جدایی پاکستان از هند گردید. از این رو این سوال مطرح است که لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری چه کارکردهایی در ماهنامه طلوع اسلام داشته است؟

روش مطالعه: مقاله با استفاده از چارچوب نظری سبک‌شناسی لایه‌ای نگارش یافته است. سبک‌شناسی لایه‌ای، روشی است که اشعار و متون را در پنج لایه آوایی، واژگان، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد تحلیل قرار می‌دهد.

یافته‌ها: به نظر میرسد فلسفه موسوم به «خودی» متعلق به اقبال لاهوری، بیشترین بسامد را در اشعار موجود در ماهنامه طلوع اسلام داشته است. فلسفه «خودی» دارای سه مؤلفه‌ی اساسی است. مؤلفه اول دوگانه «خودی – بی‌خودی» است. خودی بیانگر هویت فردی و بی‌خودی نشانگر هویت اجتماعی است. مؤلفه دوم با عنوان «مفهوم امام»، نشانگر مقوله‌بندی سیاسی جامعه مسلمان در قالب نظریه مرکز ملت و در حقیقت زمینه‌ساز تشکیل پاکستان شد. مؤلفه سوم «دیگری» است که در قالب تمدنی معنا یافته و مواجهه اسلام و غرب را صورتبندی نموده است. **نتیجه‌گیری:** فعالان ماهنامه طلوع اسلام با استفاده از رمزگان ایدئولوژیک موجود در لایه واژگان اشعار اقبال لاهوری و شاگردان وی (از جمله اسد ملتانی) به بسط و مقوله‌بندی فلسفه «خودی» در راستای تثبیت هویت اجتماعی مسلمانان شبه‌قاره هند و زمینه‌چینی برای جدایی و تشکیل پاکستان دست زدند. در این راستا سه کارکرد ایدئولوژیک «هویت‌سازی، غیریت‌سازی و آگاهی‌بخشی دینی» در لایه واژگان اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام قابل مشاهده است.

تاریخ دریافت: ۰۹ بهمن ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۲۶ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، لایه ایدئولوژیک،
لایه واژگان، اقبال لاهوری،
ماهنامه طلوع اسلام

* نویسنده مسئول:

alemi1900@ut.ac.ir

۶۱۱۱۲۵۷۹ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of the Ideological Layer of Iqbal Lahori's Poems in the Monthly Tolu-e-Islam

Y. Heydarnejad, Kh. Alemi*, N. Nemati

Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 28 January 2025

Reviewed: 01 March 2025

Revised: 16 March 2025

Accepted: 30 April 2025

KEYWORDS

Stylistics, Ideological of Layer,
lexical of Layer, Iqbal Lahori,
Tolu-e-Islam Monthly

*Corresponding Author

✉ alemi1900@ut.ac.ir

☎ (+98 21) 61112579

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: In the twentieth century, Muslims of the India used various methods to establish Islamic identity and form Pakistan. One of these methods was the reflection of Islamic belief and culture in numerous monthly magazines, including Tolu-e-Islam. This monthly magazine was founded in 1935, as indicated by Iqbal. His poems reflected in Tolu-e-Islam at the lexical level narrated a type of ideology that paved the way for the separation of Pakistan from India. Hence, the question arises: What role did the ideological layer of Iqbal Lahori's poems play in the monthly Tolu-e-Islam.

METHODOLOGY: The article is written using the theoretical framework of layered stylistics. Layered stylistics is a method that analyzes poems and texts in five phonetic, lexical, syntactic, rhetorical, and ideological layers.

FINDINGS: The philosophy known as "Khudi" in Iqbal's poems has three basic components. The philosophy of "Khudi" has three basic components. The first component is the duality of "Khudi – Bikhudi". The Khudi expresses individual identity and Bikhudi indicates social identity. The second component, titled "Imam concept", indicates the political categorization of Muslim society in the form of the theory Markaz Mellat and fact laid the groundwork for the formation of Pakistan. The third component is "the other" which has found meaning in the form of civilization and has formulated the confrontation between Islam and the West.

CONCLUSION: Using the ideological codes present in the lexical layer of the poems of Iqbal and his students (including Asad Multani), the activists of the monthly Tolu-e-Islam expanded and categorized the philosophy of "Khudi" to establish the social identity of Muslims in the India and lay the groundwork for the separation and formation of Pakistan. In this regard, the three ideological functions of "identity-building, otherness-building, and religious awareness-raising" can be observed in the lexical layer of Iqbal's poems in the monthly Tolu-e-Islam.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7872>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 37	 0	 0

مقدمه

شبه‌قاره هند در دهه سوم قرن بیستم میلادی، شاهد تلاش احزاب سیاسی و اجتماعی برای پیدا کردن راه حلی جهت تثبیت هویت مسلمانان بود. در این دوره فضای نخبگانی شبه‌قاره هند در چالش دوگانه هویتی هندو - مسلمان قرار داشت. عموم احزاب افراطی هندو بر دشمنی با مسلمانان اصرار ورزیده و مسلمانان تلاش داشتند؛ کنشهای سیاسی و اجتماعی را در مقابله با آن تنظیم نمایند. در پی رویارویی مذکور، مسلمانان به دو گروه عمده «موافق و مخالف اتحاد شبه‌قاره هند» تقسیم شدند. هر کدام از گروههای مذکور تفکرات خود را در قالب مجلات و ماهنامه‌هایی مقوله‌بندی نموده و اندیشه سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای را در شبه‌قاره هند ترویج نمودند. از جمله گروههای مخالف اتحاد شبه‌قاره هند، اهل‌قرآن شبه‌قاره هند بودند که با تأسیس ماهنامه طلوع اسلام به ترویج اندیشه خویش اقدام نمودند.

اندیشه محوری اهل‌قرآن (همچون سرسید احمدخان و عبدالله چکراولی) بر پایه نفی حجیت حدیث و تأکید بر قرآن استوار بود. (رستم، ۲۰۰۵، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ الهی‌بخش، ۱۴۲۱، ص ۱۹-۲۰؛ ج، ۱۹۳۹، ص ۱۲) از منظر سیاسی دغدغه اصلی آنان حفظ هویت مسلمانان بر اساس حاکمیتی منسجم در چارچوب میانی قرآن، بود. بنابراین عموم نظریه‌پردازان اهل‌قرآن به دلیل وجود عناصر هندوی افراطی، آمیدی به اتحاد شبه‌قاره هند نداشتند. چنان که اقبال لاهوری از متفکران اهل‌قرآن بر جدایی مسلمانان از بدنه شبه‌قاره هند تأکید داشت. اقبال لاهوری در جلسه سالانه حزب مسلم‌لیگ در تاریخ ۱۹۳۰م. به اتحاد جامعه مسلمان بر پایه زبان، تاریخ، دین و هویت مشترک اصرار ورزید. (Kaura, 1977, p151, Jalal, 2009, p 192-3) همزمان تفکرات فلسفی و سیاسی اقبال لاهوری از سال ۱۹۳۵م. تحت اشراف وی در ماهنامه طلوع اسلام چاپ و منتشر شد. (مجهول، ۱۹۳۵، ص ۲) پس از مرگ اقبال لاهوری در ۱۹۳۸م. انتشار ماهنامه طلوع اسلام متوقف نگردید و شاگردان اقبال لاهوری همچون اسد ملتانی، غلام‌احمد پرویز و محمداسلم جیراجپوری به نشر آن ادامه دادند. یکی از ویژگیهای عمده ماهنامه طلوع اسلام ترویج اندیشه اهل‌قرآن با تکیه و توجه به آراء اقبال لاهوری است. به دلیل ذو ابعاد بودن تفکرات و نظریات اقبال لاهوری، گردانندگان ماهنامه طلوع اسلام توجه وافری به استفاده از اشعار اقبال لاهوری و افرادی مانند اسد ملتانی (از پیروان اقبال لاهوری) در پیشبرد اهداف مجله داشتند. در حقیقت اشعار اقبال لاهوری و پیروان وی برای ماهنامه طلوع اسلام به منزله استفاده هنرمندانه از شعر برای انتقال مضامین اجتماعی و سیاسی به شمار میرفت. از این رو در مقاله حاضر، کلیات اشعار اقبال لاهوری و همچنین ابیاتی که در ماهنامه طلوع اسلام بازتاب یافته؛ محل رجوع قرار گرفته است. بنابراین برای فهم چگونگی کارکرد اشعار در انتقال مضامین و محتوای مدنظر ماهنامه طلوع اسلام ضروری است به سطوح ایدئولوژیک اشعار از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای توجه گردد.

شعر بنابر دانش سبک‌شناسی لایه‌ای از پنج سطح آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک تشکیل شده است. (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸-۲۴۰) در سبک‌شناسی لایه‌ای تحلیل سبک شعر از واحدهای خرد به کلان صورت میگیرد. در لایه آوایی، موسیقی درونی و بیرونی متن، آهنگ کلام، وزن، قافیه، ردیف، جناس، تکرارها و سایر عناصر آوایی که در ایجاد موسیقی کلام نقش دارند، حائز اهمیت است. (جهانگیریان و فلاحی، ۱۴۰۱، ص ۳۵) در لایه واژگانی نوع واژگان مورد استفاده، بسامد کاربرد کلمات خاص، دایره واژگانی، کلمات کلیدی، کهن‌گرایی یا نوگرایی در انتخاب واژگان و به طور کلی تمام ویژگیهای مربوط به انتخاب کلمات مورد بررسی است. (همان، ص ۳۷) در لایه نحوی توجه به ساختار جمله، نوع جمله‌بندی، کوتاهی یا بلندی جملات، ساده یا مرکب بودن آنها، کاربرد انواع فعل، زمان افعال، وجوه بلاغی جملات و به طور کلی همه مشخصات دستوری و نحوی ضروری است.

(همان، ص ۴۰) در لایه بلاغی صور خیال، آرایه ادبی، استعارات، تشبیهات، کنایات، مجازها و سایر عناصر بلاغی مورد توجه قرار می‌گیرند. (همان، ص ۴۱) سرانجام در لایه ایدئولوژیک مواردی مانند اندیشه، باورها، جهانبینی، نگرش سیاسی، اجتماعی، دینی و فلسفی شاعر بررسی می‌شوند. (همان، ص ۴۳) این لایه برآیند چهار لایه دیگر است و نشان‌دهنده کاربست عناصر زبانی در انتقال اندیشه شاعر به مخاطب است. از این رو تأثیر لایه ایدئولوژیک در چهار لایه دیگر قابل بررسی است. (عرب عامری و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۳۶) بنابراین باید پرسید کارکرد لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام چگونه بود؟

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه پژوهش از آنجا که اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام مورد مطالعه است؛ اثری که مستقیماً این موضوع را پوشش دهد وجود ندارد. با این حال برخی مقالات و کتب از منظر سبک‌شناسی و توجه به ابعاد ایدئولوژیک تفکر اقبال لاهوری شایسته توجه هستند. از جمله مقاله «زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوری» اثر وفا یزدان‌منش و علی بیات به دلیل توجه به بعد اجتماعی تفکر اقبال لاهوری جزو پیشینه پژوهش محسوب می‌گردد. همچنین مقاله «عشق از منظر مولانا اقبال لاهوری» نوشته ملیحه باغبان و نیز مقاله «غرب‌شناسی اقبال لاهوری» از عباس سعیدی‌پور به جهت توجه به یکی از عناصر ایدئولوژیک اندیشه اقبال لاهوری یعنی غرب‌ستیزی حائز اهمیت است. همچنین برخی مقالات به لایه ایدئولوژیک اشعار توجه نشان داده‌اند. فریبا مهری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر» سبک‌شناسی لایه‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین فاطمه مجیدی و همکاران در مقاله «بررسی تطبیقی سبک شناختی لایه ایدئولوژیک اشعار سیمین بهبهانی و گلرخسار صفی‌آوا» به بررسی لایه ایدئولوژیک پرداخته‌اند. در زبان انگلیسی آثار متعددی در باب اقبال لاهوری و شاگردان وی به نشر رسیده که به عنوان پیشینه مقاله محسوب می‌گردند. از جمله کتاب «The Political Philosophy of Muhammad Iqbal: Islam and Nationalism in Late Colonial India» از سویا اقبال سینگ اطلاعات ارزشمندی در باب اندیشه فلسفی اقبال لاهوری به دست می‌دهد. همچنین مقاله «Reconstructing the Muslim Self: Muhammad Iqbal, Khudi, and the Modern Self» از حسن آزاد نگرش فلسفه خودی اقبال لاهوری را به چالش کشانده است. تفاوت مقاله حاضر با پیشینه پژوهش در نگرش سبک‌شناسی لایه‌ای به ابعاد اندیشه ایدئولوژیک اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام و چگونگی تأثیر آن بر جدایی پاکستان از شبه‌قاره هند است. لذا بخش اصلی اثر حاضر به اشعاری اختصاص دارد که به گونه‌ای ویژه و تعین یافته در ماهنامه طلوع اسلام کارکرد ایدئولوژیک یافته است.

مشخصه‌های ماهنامه طلوع اسلام

۱. اهداف و راهبردهای ماهنامه

ماهنامه طلوع اسلام برای اولین بار در اکتبر ۱۹۳۵م. به سردبیری سید نذیر نیازی و بنابر اشاره اقبال لاهوری منتشر شد. (مجهول، ۱۹۳۵، ص ۲) شمارگان اولیه این نشریه لزوماً بیانگر تفکرات قرآنی نبود؛ اما از سال ۱۹۳۸م با خرید امتیاز مجله از سوی غلام احمد پرویز، جریان اهل‌قرآن شبه‌قاره‌هند به شکل ویژه‌ای تفکرات خود را در این مجله منتشر نمودند. چنان‌که هدف از انتشار ماهنامه طلوع اسلام نشر افکار قرآنی و زدودن تفکرات غیر قرآنی از جامعه مسلمانان اعلام شد. همچنین امتداد اندیشه اقبال لاهوری را میتوان تا واپسین روزهای انتشار مجله در

۱۹۸۵م. مشاهده نمود. (پرویز، ۱۹۸۵، ص ۵۷) افرادی مانند جیراچپوری در کامل شدن فرضیات مؤسسان ماهنامه طلوع اسلام بسیار تاثیرگذار بودند. موضوعات متنوع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ماهنامه طلوع اسلام مورد توجه قرار گرفت. مهمترین کارکرد اساسی انتشار مجله طلوع اسلام ایجاد فضای فکری و فرهنگی همگن در راستای نظریه پاکستان در میان جامعه مسلمان شبه‌قاره هند بود. از این رو آنان با بهره‌گیری از نظریه‌پردازی معطوف بر متن قرآن به ارائه الگوهای سیاسی و اجتماعی در این ماهنامه پرداختند. چنان که این امر منجر به تحرکات نوین و بسط نظریه سیاسی پاکستان یا همان نظریه دو ملت گردید. در این عرصه شعر به عنوان محملی برای انتقال مفاهیم مرتبط با اندیشه دو ملت مورد استفاده قرار گرفت. چنان که پیش از تشکیل پاکستان در سال ۱۹۴۷م. اشعار دو شخصیت برجسته اقبال لاهوری و اسد ملتانی به وفور مورد استفاده ماهنامه طلوع اسلام بود. بهره‌برداری از اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی به دو شیوه‌ی چاپ مستقیم اشعار و شرح اشعار در راستای اهداف ماهنامه طلوع اسلام انجام شد. در باب شرح اشعار تا قبل از تشکیل پاکستان، از مقالات یوسف سلیم چشتی بریلوی استفاده شد. ویژگی اصلی شرح وی گره‌گشایی از لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری و یاری به فهم رمزگان لایه واژگان اشعار وی بود. بنابراین برای فهم لایه ایدئولوژیک اشعار به کار رفته در ماهنامه طلوع اسلام، ضروری است علاوه بر پرداختن به زندگی، زمانه و تفکرات اقبال لاهوری و پیروان او از جمله اسد ملتانی، شروح به کار رفته در ماهنامه طلوع اسلام نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۲. شاعران فعال در ماهنامه

در ماهنامه طلوع اسلام تا قبل از تشکیل پاکستان، عموماً از اشعار دو شخصیت اصلی اقبال لاهوری و اسد ملتانی استفاده شد. اقبال لاهوری فیلسوف، شاعر و سیاستمدار مسلمان در سال ۱۸۷۷م. در سیالکوٹ است. (Sevea, 2012, p 14; Kiernan, 2013, p xi-xiii) تحصیلات اولیه وی در کالج دولتی لاهور در رشته فلسفه گذرانده شد. (Taneja, 2004, p 151) ظاهراً طبع شاعرانه اقبال لاهوری در همین دوره با سرودن آثاری به زبان اردو همچون پرنده کی فریاد (دعای پرنده) و ترانه هندی با مضامین کودکانه آزموده شد. (Pritchett, 2000, p 83) با این حال زمینه فلسفی تفکرات اقبال لاهوری مانع از سطحی‌نگری در شعر وی گردید و این امر شعر او را غنا بخشید. وی برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در سال ۱۹۰۷م. موفق به اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه از دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ گردید. رساله دکتری وی تحت عنوان توسعه متافیزیک در ایران (The Development of Metaphysics in Persia) احتمالاً نقش بسزایی در نضج نظریات فلسفی وی داشت. چرا که بخش عمده‌ای از رساله خویش را به تصوف اختصاص داد و این امر بعدها او را در تلفیق فلسفه و ادبیات یاری رساند. (Mir, 1990, p 2; Jackso, 2006, p181)

اقبال لاهوری در دوران تحصیل در اروپا سرودن شعر به زبان فارسی را سرلوحه خویش قرار داد. وی تا پایان عمر حدود ۱۲ هزار بیت سرود که در آن میان حدود ۷ هزار بیت به زبان فارسی بر جای مانده است. اولین مجموعه شعر اقبال لاهوری در سال ۱۹۱۵م. با عنوان اسرار خودی منتشر شد. اقبال لاهوری در مجموعه اسرار خودی موفق به تشریح نظریه فلسفی خویش گردید که با نام «خودی» معروف شده است. بهره‌گیری اقبال لاهوری از واژه «خودی»، اشاره به مفهوم نفس و روح در قرآن است. لذا تلاش وی در اسرار خودی به تبیین شناخت‌شناسانه از هدف زندگی و مراحل شناخت نفس منجر شد. (Schimmel, 1963, p 34-45) مجموعه شعر بعدی اقبال

لاهوری با عنوان «رموز بی‌خودی» در حقیقت تکمیل‌کننده کتاب اول وی بود. وی در «رموز بی‌خودی» به تشریح آراء و عقاید خود در باب جامعه آرمانی و نوع تعاملات انسان برای رسیدن به آن پرداخته است. اقبال لاهوری به دلیل مواضع سیاسی و اجتماعی خاص، مورد توجه بسیاری از شعرا قرار گرفت. ظاهراً بازتاب اندیشه فلسفی وی در شعر فارسی به گونه‌ای بود که شاگردان و پیروان او از جمله اسد ملتانی به تقلید از شعر وی ترغیب شدند. در ماهنامه طلوع اسلام، اسد ملتانی (زاده ۱۹۰۲م. در ملتان) را باید آشکارا مقلد اقبال لاهوری دانست. وی در سال ۱۹۲۲م. روزنامه الشمس و سپس روزنامه ندای افغان را نشر داد. (جعفری، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷؛ ملتانی، ۱۹۹۱، ص ۱۹) از منظر سیاسی وی از هواداران نظریه دو ملت محسوب می‌شود. وی به لحاظ قالب شعر و سبک ادبی و همچنین اندیشه سیاسی و اجتماعی دنباله‌روی اقبال لاهوری محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای که اقبال لاهوری به او لقب *افسر/شعراء* را اعطا نمود و او را شاعری آینده‌دار برای پنجاب دانست. (جعفری، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷) او در مناصب سیاسی و اجتماعی به فعالیت پرداخت و توانست در جدایی پاکستان نقشی فعال ایفا نماید. وی تا منصب معاونت امور خارجه پاکستان ارتقا یافت. اسد ملتانی در ۱۹۵۵م. از مناصب دولتی بازنشسته شد و سرانجام در سال ۱۹۵۹م. بر اثر سکته قلبی درگذشت. (ملتانی، ۱۹۹۱، ص ۱۵)

از جمله مهم‌ترین آثار اسد ملتانی می‌توان به *مرثیه اقبال*، *اقبالیات اسد ملتانی*، *مشارق*، *تحفه حرم و کلیات اسد ملتانی* اشاره نمود. (جعفری، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷) اشعار وی عموماً به پاکستان و مسائل سیاسی و اجتماعی آن اختصاص داشت و بازتاب دهنده علایق وی بود. کتاب *مرثیه اقبال* در حقیقت نشانگر تأثر ملتانی از مرگ اقبال لاهوری و شدت وابستگی این دو به یکدیگر است. (ملتانی، بی‌تا، ص ۲۵) اشعار وی در ماهنامه طلوع اسلام نیز همین مطلب را به خوبی نشان می‌دهد. به جرأت می‌توان گفت اسد ملتانی استمرار شعر اقبال لاهوری (پس از فوت وی در ۱۹۳۸م.) را در ماهنامه طلوع اسلام بر عهده داشت. لذا اندیشه فلسفی اقبال لاهوری، جایگاه مهمی در تبیین لایه ایدئولوژیک اشعار مورد استفاده در ماهنامه طلوع اسلام داشته است.

رمزگان لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام

۱. دوگانه خودی - بی‌خودی

اندیشه سیاسی اقبال لاهوری به دلیل شخصیت فلسفی و ادبی او اغلب به طور شفاف بیان نشده است. تلفیق ابعاد فلسفی و ادبی، جنبه مذهبی اشعار اقبال لاهوری را دو چندان نموده و بازتابی عرفانی از شخصیت وی ارائه داده است. از سوی دیگر نظریات سیاسی وی دارای پشتوانه عمیق فلسفی است و در قالب شعر صورت‌بندی خویش را بازگو کرده است. بنابراین به نظر میرسد کاربست فرضیه سبک‌شناسی لایه‌ای به منظور فهم رمزگان لایه ایدئولوژیک اشعار وی ضروری است. بر این مبنا، لایه ایدئولوژیک شامل همه باورها، ارزشها و جهانبینی موجود در متن است. این لایه بیانگر چگونگی بازتاب مفاهیم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شعر است. رمزگان ایدئولوژیک به مجموعه‌ای از قواعد و قراردادهای اشاره دارد که با ایجاد بستر مشترک میان شاعر و مخاطب، بستر انتقال پیام را فراهم می‌کند. بنابراین برای فهم لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری و پیروان وی لازم است؛ رمزگان لایه ایدئولوژیک در اشعار وی صورت‌بندی گردد. اقبال لاهوری از اشعار خود به عنوان وسیله و ابزاری برای بیان لایه ایدئولوژیک و اندیشه‌ورزانه یاد کرده است.

شاعری زین مثنوی مقصود نیست بت پرستی بت‌گری مقصود نیست
(چشتی بریلوی، سپتامبر ۱۹۳۶، ص ۶۰)

به نظر میرسد؛ اولین رمزگان لایه ایدئولوژیک شعر اقبال لاهوری مفهوم «هویت» است که در کتابهای «اسرار خودی» و «رموز بی‌خودی» با واژه ابداعی «خودی» به کار رفته است. از منظر اقبال لاهوری مفهوم «خودی» به عنوان منشأ هویت اصیل انسانی شناخته شد. به نظر میرسد منشأ طرح مفهوم «خودی» توسط اقبال لاهوری را می‌بایست در مطالعات عرفانی او پی گرفت. وی «خودی» را سرچشمه مفاهیم قدرت، آزادی، اختیار و مسئولیت‌پذیری میدانست. او «خودی» را «قدرت آفرینشگر درونی» میداند که انسان را از حالت انفعال و تقلید کورکورانه به سوی خلاقیت، اراده و مسئولیت‌پذیری سوق میدهد. به عبارت دیگر، «خودی» نه فردگرایی خودخواهانه، بلکه خودآگاهی متعالی است که فرد را به عنوان جزئی فعال در جامعه و تاریخ قرار میدهد. نظریه «خودی» به دلیل تأکید بر عاملیت افراد، دارای جنبه اراده‌گرایانه است و میبایست آن را بازتاب دهنده ماهیت عرفانی اندیشه اقبال لاهوری دانست. این امر در تلاقی مفهوم «بی‌خودی» و «خودی» به خوبی قابل بررسی است. اقبال لاهوری «بی‌خودی» را مرحله تکامل یافته «خودی» میداند، جایی که فرد با فداکردن نفس در راه جامعه به کمال میرسد. او «خودی» را چنین توصیف میکند:

از آن مرگی که می‌آید چه باک است خودی چون پخته شد از مرگ پاک است
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۲۱۷)

از منظر عاملیت، در مفهوم «خودی» بر اثر کشف و اتصال انسان به معبود، گونه‌ای خودآگاهی درونی برای انسان رخ خواهد داد. لیکن مرحله «بی‌خودی» نمایانگر کنترل عاملیت فردی و جهت‌بخشی به خودآگاهی در مسیری الهی است.

قدرت او برگزیند بنده را نوع دیگر آفریند بنده را
(همان، ص ۱۴۴)

به لحاظ عرفانی احتمالاً دوگانه «خودی و بی‌خودی» را باید با ثنویت وحدت وجود و وحدت شهود در صوفیان شبه‌قاره هند قابل مقایسه دانست. (عالمی و حیدرنژاد، ۱۴۰۱، ص ۵۹) توحید وجودی یا وحدت وجود به معنای یک موجود دانستن و توحید شهودی یا وحدت شهود به معنای کلی دیدن است. (سیرهندي، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰) اقبال لاهوری با رویکردی کارکردگرایانه به عرفان اسلامی در صدد بر آمد، دوگانه خودی-بی‌خودی را در جهت بسط نظریه سیاسی خود و تقویت ارتباط عاملیت و ساختار در جامعه اسلامی برقرار نماید. لذا مفهوم «بی‌خودی» بازتاب دهنده نگرش اجتماعی و سیاسی اقبال لاهوری و علاقه وی به حضور انسانی رشد یافته و خودآگاه در جامعه است. وی در این باب چنین می‌سراید:

در دلش ذوق نمو از ملت است	احتساب کار او از ملت است
پیکرش از قوم و هم جانش ز قوم	ظاهرش از قوم و پنهانش ز قوم
در زبان قوم گویا میشود	بر ره اسلاف پویا میشود
پخته تر از گرمی صحبت شود	تا به معنی فرد هم ملت شود
وحدت او مستقیم از کثرت است	کثرت اندر وحدت او وحدت است

(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۳۹-۱۴۰)

از منظر اقبال لاهوری در حالی که «خودی» موجب تعمیق هویت فردی میگردد، «بی‌خودی» فرآیند رهایی از خود فردی و پیوستن به جامعه را هموار میکند. از این رو وی فرد و جامعه را همچون مهره تسبیح میداند که در پیوند با یکدیگر معنا یافته‌اند:

فرد و قوم آئینه یک دیگرند سلک و گوهر کهکشان و اخترند
فرد می‌گیرد ز ملت احترام ملت از افراد مییابد نظام
(همان، ص ۱۳۹)

دوگانه «خودی - بی‌خودی» در حقیقت بیانی متفاوت از دوگانه‌ی «فرد - ملت» بود. اقبال لاهوری در تبیین لایه ایدئولوژیک اشعارش در تلاش بود؛ صورت‌بندی نوینی را برای تعامل فرد و ملت کشف نماید. بنابراین بیشترین دغدغه وی؛ فهم چگونگی همراستا شدن افراد، جهت دستیابی به وحدت ملی و اجتماعی بود. بنابراین اقبال لاهوری به منظور تلفیق دو مفهوم ملت و دین، از مفهوم «فنا فی الله» در رموز بی‌خودی بهره برد. اقبال لاهوری پایبندی فرد به ملت را سبب آزادی او و فرد بدون ملت را آشفته حال دانسته است.

هر که آب از زمزم ملت نخورد شعله های نغمه در عودش فسرد
فرد تنها از مقاصد غافل است قوتش آشفتنگی را مایل است
قوم با ضبط آشنا گرداندش نرم رو مثل صبا گرداندش
پا به گل مانند شمشادش کند دست و پا بندد که آزادش کند
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۴۰)

از منظر اقبال لاهوری فرد و جامعه وابسته به یکدیگرند و سرنوشت هر یک به دیگری ارتباط دارد. همچنین در این نگاه هویت فردی و اجتماعی افراد نیز ارتباط تامی به سرنوشت رابطه جامعه و فرد دارد. در این راستا اقبال لاهوری گونه‌ای فلسفه جبر و اختیار را تبیین نموده است. وی تربیت نفس را دارای سه مشخصه اطاعت، ضبط نفس و نیابت الهی دانسته است. (چشتی، اکتبر ۱۹۳۸، ص ۲۳؛ اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۰) بر اساس آموزه اقبال لاهوری اطاعت از خداوند اولین شرط تربیت خودی است. وی اطاعت را موجب یکرنگی و حرکت در راستای هدفی واحد تفسیر نموده است. (چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۶۶)

مرحله دوم ضبط نفس است که با انجام مراقبه‌ها و پیروی از اخلاق حسنه حاصل میشود. (چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۷۸) در مرحله سوم انسان به گونه‌ای نیابت الهی و حاکمیت دست مییابد. بر این اساس، فرد از طریق اطاعت (گونه‌ای جبر) میتواند خود را به مقام نیابت الهی برساند. در اشعار اقبال لاهوری مقام نیابت الهی دارای مؤلفه اختیار و حاکمیت است. بنابراین شیوه اطاعت (جبر)، انسان را به مقامی از نیابت الهی که دارای سطحی از اختیار و آزادی اراده است، میرساند. از این رو اقبال لاهوری به صراحت چنین میسراید:

در اطاعت کوش ای غفلت شعار میشود از جبر پیدا اختیار
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۰)

۲. مفهوم امام

دومین رمزگان تبیین شده در لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری، مفهوم امام و امامت است. وی این مفهوم را در قالب مفهوم مرکز و مرکزیت نیز تبیین نموده است. سپس افرادی همچون محمداسلم جیراجپوری و غلام احمد پرویز در ماهنامه طلوع اسلام به صورت‌بندی نظریه سیاسی مرکز ملت با الهام از تفکرات اقبال لاهوری دست زدند. (پرویز، ۲۰۰۲، ص ۲۳۰) در نظریه مرکز ملت، مفهوم «امام» و «اطاعت» نقش محوری داشتند. اقبال لاهوری معتقد بود، جامعه بدون امام راه به جایی نبرده و وجود امام جهت تحفظ وحدت جامعه ضروری است. بازتاب مفهوم امام در ماهنامه طلوع اسلام نیز با همین کاربست صورت گرفته است. ابتدا تلاش گردیده تا خلأ موجود در جامعه

مسلمان شبه‌قاره هند بیان گردد؛ بنابراین در اشعار اقبال لاهوری، بر فقدان امام در جامعه مسلمان تأکید ویژه‌ای شده است.

هنوز این چرخ نیلوفری کنج حرام است هنوز این کاروان دور از مقام است
ز کار بی نظام او چه گویم تو می‌دانی که ملت بی امام است
(اقبال لاهوری، دسامبر ۱۹۳۸، ص ۴۱)

مفهوم امام به مثابه رمزگان ایدئولوژیک نه تنها در اشعار اقبال لاهوری بازتاب یافت؛ بلکه نقش مهمی در تبیین تشکیل ساختار سیاسی مسلمانان بازی نمود. از این رو هم‌اندیشان اقبال لاهوری متأثر از وی به کارکرد امامت توجه نشان داده و حفظ دین و ملت را از اهم کارکردهای امامت دانسته‌اند. چنان که اسد ملتانی از شاگردان و پیروان اقبال لاهوری و از فعالان جنبش تأسیس پاکستان، در باب مفهوم امام اینگونه سروده است:

هر آن ملت که محروم امام است چو انبوه بهائم بی نظام است
امامی گیر بهر حفظ آئین که ملت را ز آئین انتظام است
نباشی تا غلام پخته کاری خیال سروری سودائی خام است
هر آن ملت که آقائی ندارد غلام است و غلام است و غلام است
(ملتانی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۴۹)

۳. مفهوم «دیگری»

سومین رمزگان در لایه ایدئولوژیک اشعار اقبال لاهوری، مفهوم «دیگری» است. این مفهوم برساختی گفتمان‌گونه جهت‌شناسایی مفهوم خودی است. بنابراین اقبال لاهوری به منظور برجسته‌سازی لایه ایدئولوژیک، بر پایه مفهوم خودی به مؤلفه‌ای غیریت‌ساز نیازمند بود. شرایط سیاسی و اجتماعی شبه‌قاره هند و به طور کلی جهان اسلام، اقبال لاهوری را به پنداشت غرب به مثابه «دیگری» سوق داد. از این رو نقد مؤلفه‌های تمدن غرب از عمده‌ترین موضوعات اشعار اقبال لاهوری است. دو محور اساسی انتقاد وی، نفی استعمار و مبانی تمدن غرب و سپس زمینه‌سازی برای تشکیل حاکمیتی مستقل توسط مسلمانان بود. از منظر اقبال لاهوری مسلمانان به دلیل تضعیف خودی، هویت خویش را در برابر استعمار فکری و فرهنگی غرب از دست داده‌اند. از این رو لازمه توجه به مفهوم خودی، ایجاد گونه‌ای خودآگاهی فرهنگی بر مؤلفه‌های هویت اسلامی و بازگشت به آن است.

در این راستا اقبال لاهوری با بهره‌گیری از مفاهیم و واژگان موجود در عرفان اسلامی به نقد مبانی غرب نیز نظر داشت. ظاهراً لازمه نفی استعمار سیاسی غرب در فلسفه اقبال لاهوری، نقد مبانی فلسفی غرب در راستای تقویت خودی مسلمانان بود. از این منظر مفهوم خودی برای اقبال لاهوری در تقابل با مفهوم فردگرایی لیبرال تعریف گردید. وی فهم فردی از خودی را لزوماً در کنار مفهوم بی‌خودی یا گونه‌ای التزام جمعی میسر دانسته است. لذا شعر وی به صراحت به ارتباط دوسویه فرد و جامعه برای تشکیل هویت خودی اشاره دارد.

فرد تا اندر جماعت گم شود قطره وسعت طلب قلزم شود
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۳۹)

بر اساس رویکرد وی مدرنیته غرب، انسان را به موجودی بریده از ماوراء تبدیل نموده است؛ در حالی که در مفهوم خودی ارتباط عمیق با خداوند منشأ شخصیت و هویت اصیل انسانی است. (چشتی بریلوی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۷۹) همچنین وی مفهوم ملیگرایی را به دلیل نقض آزادی و پایه قرار دادن نژاد و سرزمین، متضاد با ایده کرامت ذاتی انسان در نظریه خودی ارزیابی نموده است. وی به صراحت ملیگرایی را در شعر زیر نفی نموده است:

مسلم استی دل به اقلیمی میند گم مشو اندر جهان جون و چند
می‌نگنجد مسلم اندر مرز و بوم در دل او یاهو گردد شام و روم
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۱۵۹)

ظاهراً علت اصلی دوری وی از جریان کنگره ملی هند نیز به این امر باز میگشت. وی پیشنهاد گاندی مبنی بر معاونت جامعه ملیه اسلامی در سال ۱۹۲۰م. را رد نمود. با این حال از تفکرات محمدعلی جناح به شدت حمایت نمود. وی از کسانی بود که طرح تشکیل استانی خودمختار در شمال غربی شبه‌قاره هند را در جلسه سالانه حزب مسلم‌لیگ در سال ۱۹۳۰م. مطرح نمود. (Rasheed and Ahmad, 2019, p 131)

اقبال لاهوری برای تحقق خودی در سراسر جامعه اسلامی، سه اصل را ضروری می‌دانست. اصل اول تجربه بیرونی از منظر اقبال لاهوری نمایانگر ارتباط انسان با واقعیت و محسوسات و منشأ علم جدید در غرب دانسته است. (کواکبیان و احمدنژاد، ۱۴۰۱، ص ۸۷) اصل دوم تجربه باطنی یا درونی است که با مفهوم خودی و بی‌خودی بیان میشد و نمایانگر جنبه عرفانی و هویتی انسان بود. (اقبال لاهوری، ۱۳۸۸، ص ۵۴) عقلانیت و جنبه‌های استدلالی امور به عنوان اصل سوم به شمار میرفت که اقبال لاهوری آن را بدون تجربه و شهود، ملاک تحقق خودی نمیدانست. (همان، ص ۵۳) وی در این باب میسراید:

زیرکی از عشق گردد حق‌شناس کار عشق از زیرکی محکم اساس
عشق چون با زیرکی هم‌بر شود نقش‌بند عالم دیگر شود
(اقبال لاهوری، ۱۳۵۹، ص ۳۵۷)

وی به صراحت عقل را در چارچوب توحید و تجربه شهودی مورد پذیرش قرار داده است.

در جهان کیف و کم گردید عقل پی به منزل برد از توحید عقل
(همان، ص ۱۴۴)

آنچه در ماهنامه طلوع اسلام درباب مفهوم «دیگری» از منظر اقبال لاهوری و همفکران او قابل مشاهده است؛ تلاش برای پر رنگ نمودن هویت اسلامی در قالب نفی غرب است. اقبال لاهوری به لحاظ اندیشه سیاسی و اجتماعی عموماً به سوی شرق تمایل داشت. (چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۷۱) چنان که این امر در ماهنامه طلوع اسلام در قالب اشعار چنین انعکاس یافته است:

پس چه باید کرد اقوام مشرق باز روشن میشود ایام شرق
ای ز کار عصر حاضر بی‌خبر چوب دستی‌های یورپ درنگر
قالی از ابریشم تو ساختند باز او را پیش تو انداختند
چشم تو از ظاهرش افسون خورد رنگ و آب او تو را از جا برد
وای آن دریا که موجش کم تپید گوهر خود را از غواصان خرید
(چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۷۲)

اقبال لاهوری ضمن توجه به شرق، به مباحث هویت و خودی و ایجاد گونه‌ای از خود بیگانگی در میان اهل مشرق نیز پرداخته است. با وجود این، تأکید اساسی وی که در ماهنامه طلوع اسلام نیز بازتاب یافته؛ مقابله با غرب است.

کارکرد رمزگان لایه ایدئولوژیک بر لایه واژگان اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام

۱. هویت‌سازی

در ماهنامه طلوع اسلام لایه ایدئولوژیک دارای کارکردهای ویژه‌ای بود که در راستای تبیین هویت سیاسی مسلمانان

و تشکیل پاکستان به کار میرفت. گردانندگان ماهنامه طلوع اسلام با استفاده از رمزگان موجود در اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی، کارکردهای خاصی را برای خویش تعریف نمودند. از این رو رمز به معنای نشانه و ارزشهایی است که مسیر تکاملی فرد و جامعه را روشن میسازد. در حقیقت رموز به کار رفته در این اشعار مجموعه‌ای از راهکارها برای نیل به جامعه آرمانی در اسلام بود. بنابراین مجموعه ظهور اندیشه ایدئولوژیک در سطح واژگان، جهت تبیین کارکردهای اجتماعی و سیاسی ماهنامه طلوع اسلام و به منظور آمادگی برای تشکیل پاکستان قرار داشت. به نظر میرسد سه کارکرد هویت‌سازی، غیریت‌سازی و آگاهی‌بخشی به شکلی ملموس در سطح واژگان قابل مشاهده است.

اولین کارکرد ایدئولوژیک بارز در سطح واژگان تقویت هویت فردی و اجتماعی با استفاده از مفاهیم به کار رفته در اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی است. شاکله اصلی تفکر ایدئولوژیک مطرح شده در سطح واژگان را میبایست، نتیجه بسط فلسفه خودی اقبال لاهوری تلقی نمود. در فلسفه خودی، فرد ضمن حفظ هویت فردی میتواند، جهت نیل به بی‌خودی (فناهی در جمع) کوشش نماید. از این رو مفهوم «خودی» بدون مفهوم «بی‌خودی» به خودپرستی و «بی‌خودی» بدون «خودی» منجر به انفعال و بی‌هویتی خواهد شد. اندیشه مرکزی فلسفه خودی اتکا به توحید و خودشناسی و سپس ابعاد اجتماعی اسلام است. تکیه بر توحید منجر به گونه‌ای هویت فردی و اصرار بر ابعاد اجتماعی اسلام به معنای هویت واحد اجتماعی در جامعه مسلمان و ایجاد مفهوم ملت بود. از این رو اولین تلاش برای تبیین هویت سیاسی و اجتماعی مسلمانان به شکل ملتی مستقل (پاکستان) در اشعار اقبال لاهوری دیده میشود.

در سطح واژگان مجموعه‌ای از کلمات گویای کارکرد هویت‌سازی است. اولین واژه مهم «لا اله» است که مکرراً در قالب اشعار اقبال لاهوری و همچنین اسد ملتانی بازتاب یافته است. در اولین شمارگان ماهنامه طلوع اسلام این اشعار از اقبال لاهوری دیده میشود:

لا اله گوئی؟ بگو از روی جان تا ز اندام تو آید بوی جان
این دو حرف لا اله گفتار نیست لا اله جز تیغ بی‌زنهار نیست
(چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۶۴)

چشتی، شارح اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام معتقد است از منظر وی خودی حامل اسرار پنهانی است و لازمه دستیابی به این اسرار ایمان به کلمه «لا اله الا الله» است. (چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۶۴) در ماهنامه طلوع اسلام کلمه «لا اله» نه تنها مولد هویت فردی بلکه موجد هویت اجتماعی است. مهمترین واژه‌ای که هویت اجتماعی را در اشعار بازتابانده؛ کلمه «ملت» است.

چیسست ملت ایکه گوئی لا اله با هزاران چشم بودن یک نگاه
(اقبال لاهوری، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۱)

همچنین دو مفهوم «مرکز» و «امام» در تبیین هویت اجتماعی مسلمانان به کرات مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این دو واژه در حقیقت بیان‌کننده یک مفهوم واحد با شئون گوناگون بود. مفهوم امام بیانگر وجود یک منصب اجتماعی در رأس هرم قدرت و مفهوم «مرکز» تبیین‌کننده گونه‌ای ساختار حکومتی برای اداره جامعه اسلامی است. از این رو قرار گرفتن دو واژه مرکز و ملت در کنار یکدیگر (مرکز ملت) نشان‌دهنده تئوری سیاسی حاکمیت در اسلام و زمینه‌سازی برای تشکیل پاکستان بود. لذا واژه «بی‌مرکزی» در اشعار اقبال لاهوری بیشتر بیانگر بی‌هویتی سیاسی و اجتماعی و تأثیرات منفی آن است.

مرده از یک نگاهی زنده شو بگذر از بی‌مرکزی پاینده شو
(چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۶۶)

همچنین ترکیب مرکز ملت نه تنها در اشعار وی کارکرد وسیعی یافت؛ بلکه در صفحات آغازین ماهنامه طلوع اسلام به منظور اشاره به تفکرات فعالان مجله نیز به کار میرفت. (ماهنامه طلوع اسلام، دسامبر ۱۹۳۸، ص ۲؛ سپتامبر ۱۹۳۸، ص ۲؛ جولای ۱۹۳۸، ص ۲) در اشعار اسد ملتانی سعی گردید؛ وجود امام و ملت را متوقف بر یکدیگر و عدم برخورداری ملت از امام را به «غلامی» تعبیر نماید.

هر آن ملت که آقائی ندارد غلام است و غلام است و غلام است
(ملتانی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۴۸)

در بیت بالا واژه «آقا» به معنای امام و رهبری سیاسی به کار رفته و نبود آن را برابر با بی‌انتظامی امور و غلامی و بردگی دانسته است. احتمالاً واژه غلام توضیح دهنده اوضاع مسلمانان شبه‌قاره هند در دوره سلطه بریتانیا بوده است.

۲. غیریت‌سازی

دومین کارکرد لایه ایدئولوژیک در اشعار بازتاب یافته در ماهنامه طلوع اسلام ایجاد گونه‌ای غیریت‌سازی، جهت تحکیم هویت دینی و سیاسی مسلمانان بود. غیریت‌سازی فرآیندی گفتمانی است که مبتنی بر تمایز خود و دیگری است. به دلیل وجود طبقات اجتماعی هندو در شبه‌قاره هند و نیز تسلط سیاسی بریتانیا بر آن، غیریت‌سازی به عنوان امری محتوم جهت تشکیل پاکستان به شمار رفت. از منظر اقبال لاهوری ماهیت اسلامی کشور پاکستان و تکیه بر توحید در هویت‌سازی، امری جدا از غیریت‌سازی نبود؛ همانگونه که مفهوم «لاله الا الله» دارای دو کارکرد نفی و اثبات بود، تشکیل پاکستان نیز نیازمند یک غیریت‌انگاری همراه با هویت‌سازی بود. در ماهنامه طلوع اسلام در لایه واژگان، غیریت‌سازی بر اساس مفاهیم دوگانه اسلام و غرب صورت‌بندی شد.

آدمیت زار نالید از فرنگ زندگی هنگامه برچید از فرنگ
مشکلات حضرت آدم از دست آدمیت را غم پنهان از دست
در نگاهش آدمی آب و گل است کاروان زندگی بی منزل است
دانش افرنگیان تیغی بدوش در هلاک نوع انسان سخت‌کوش
(چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۷۹)

مفاهیم «آدمیت» و «حضرت آدم» در حقیقت هسته مرکزی تفکر اقبال لاهوری است. ترکیب تقلیل‌گرایانه «آب و گل» در برابر تصویر آرمانی از «آدمیت» در واقع دوگانه غرب و اسلام را در مفاهیم «وجود وحیانی» و «وجود مادی» بازتولید نموده است. اقبال لاهوری با استفاده از استعاره «دانش افرنگیان» و عاملیت آن در هلاک انسان، ضدیت علم مدرن با معرفت دینی را گوشزد نموده است. همچنین واژه «تیغ» بار منفی استعاره مذکور را به شدت افزایش داده است. دومین سطح لایه واژگان در تحلیل اشعار اقبال لاهوری توجه به مباحث اقتصادی و فرهنگی است.

قالی از ابریشم تو ساختند باز او را پیش تو انداختند
چشم تو از ظاهرش افسون خورد رنگ و آب او تو را از جا برد
(چشتی، نوامبر ۱۹۳۸، ص ۷۲)

استعاره «قالی ابریشم» بازتاب دهنده سه رمزگان استعمار اقتصادی (غارث منابع شرق)، رمزگان تقلید فرهنگی (بازتولید کالاهای شرقی با هویت غربی) و رمزگان فریب ادراکی است. رمزگان فریب ادراکی را باید در واژگان «افسون» و «رنگ و آب بردن» جست و جو نمود.

در اشعار اسد ملتانی نیز با شیوه‌ای نوین دوگانه اسلام و غرب بازتاب یافت. اسد ملتانی در بیت زیر به خوبی این امر را واگویه نموده است:

شب تمدن مغرب قریب انجام است	کشای چشم که وقت طلوع اسلام است
اساس بام فلک بوس اینقدر خام است	که ضعف بام بقدر بلندی بام است

(ملتانی، دسامبر ۱۹۳۹، ص ۱۶)

کاربرد نشانگرهای زمانی مانند «قریب انجام» برای تمدن غرب و «طلوع» برای اسلام، ساختار خطی زمان مدرن را با الگوی ادواری-تقدسی زمان دینی جایگزین میکند. این جایگزینی به عنوان یکی از روشهای سبکی شاعران دینی، مبتنی بر تفسیر الهیاتی از تاریخ است که ریشه در اندیشه عرفانی دارد. ملتانی سعی نموده با چینش زمانی فوق، گسست دو پارادایم مدرنیته و نظام معرفت دینی را برجسته سازد. با توجه به این مسأله الگوی روایی حاکم بر اشعار ملتانی از سه مرحله تشخیص بحران (افول تمدن غرب)، فراخوان به بیداری (با ترکیب «کشای چشم» نشان‌گذاری شده است) و ترسیم آرمانشهر جایگزین (طلوع اسلام) تشکیل شده است.

۳. آگاهی بخشی دینی

کارکرد سوم در بازتاب لایه ایدئولوژیک در سطح واژگان، آگاهی بخشی مذهبی است. منظور از آگاهی بخشی مذهبی روند آشناسازی جامعه مسلمان با افکار و آراء اسلامی است. با وجود اینکه کارکرد آگاهی بخشی را می‌توان در ذیل هویت‌سازی نیز تلقی نمود؛ اما ظاهراً به دلیل سطوح متفاوت استفاده از دو مفهوم آگاهی بخشی مذهبی و هویت‌سازی نمی‌توان آنان را در یک چارچوب قرار داد. کارکرد هویت‌سازی در لایه ایدئولوژیک بیشتر به امری ناخودآگاه و کارکرد آگاهی بخشی مذهبی به سطوح خودآگاهانه تعلق دارد. هر چند به نظر می‌رسد به دلیل ماهیت اشعار، عموماً جنبه ناخودآگاه آنان بر خودآگاه می‌چربد؛ لیکن در برخی اشعار موجود در ماهنامه طلوع اسلام صراحت خاصی قابل مشاهده است. همچنین تلاش عمده دیگر در ماهنامه طلوع اسلام، تبدیل بُعد فردی به بُعد اجتماعی در قالب بازتاب فرایض دینی در اشعار بود. این امر در مبارزات سیاسی و اجتماعی منتهی به استقلال پاکستان نقش بارزی داشت. فعالان ماهنامه طلوع اسلام (برخلاف نگرش فردگرایانه به اسلام) به شاخه اجتماع‌گرایانه فعالان سیاسی و اجتماعی مسلمانان شبه‌قاره هند تعلق داشت. از این رو بازتاب نگرش دینی در اشعار ماهنامه طلوع اسلام به منزله زمینه‌سازی برای جنبش استقلال پاکستان بود.

برخی اشعار اقبال لاهوری در ماهنامه طلوع اسلام به فروع دین اختصاص یافته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد گونه‌ای آگاهی بخشی دینی معطوف به عمل مذهبی را در چارچوب ماهنامه طلوع اسلام مشاهده نمود. به نظر می‌رسد کارکرد اشعار معطوف به عمل به مفهوم ضبط نفس در افکار اقبال لاهوری بود. (چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۷۸)

اقبال لاهوری در باب نماز چنین می‌سراید:

لا اله <u>باشد</u> <u>صدف</u> <u>گوهر</u> نماز	قلب مسلم را <u>حج</u> <u>اصغر</u> نماز
در کف مسلم مثال <u>خنجر</u> است	قاتل <u>فحشاء</u> و <u>بغی</u> منکر است

(چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۸۱)

در ابیات فوق شاعر از استعاره «صدف گوهر» برای بیان صدف و گوهر دین بهره برده است. این واژگان در حقیقت اشاره به حقیقت و پوسته دین دارند. «لا اله» به عنوان صدف و «نماز» به عنوان گوهر رمز گذاری شده است. بنابراین در بیت اول، توحید (لا اله) محافظی برای نماز قلمداد شده است. همچنین در مصراع دوم از بیت اول نماز به عنوان «حج اصغر» استعاره گرفته شده و بیان کننده جنبه معنوی نماز است که در قلب مومن به مثابه سفری معنوی به سوی حق رمزگذاری میشود. در بیت دوم رمزگان دوم در مفهوم «جهاد» تبلور یافته است. واژگانی همچون «خنجر» و «قاتل» نشان دهنده این مفهوم است. اقبال لاهوری نماز را همچون سلاحی در دستان مسلم تصویر نموده است که به وسیله آن توانایی مقابله با رذایل اخلاقی را دارد. بنابراین در بیت دوم، مفهوم «ضبط نفس» به اعمال جهادی تشبیه شده است. رمزگان هجرت و جهاد برای دیگر اعمال عبادی نیز به کار رفته است. وی با استفاده از رمزگان «شبخون» که یک اصطلاح نظامی برای حمله غافلگیرانه شبانه است، روزه را در قالب یک عملیات جهادی علیه نفس اماره چنین به تصویر کشیده است:

روزه بر جوع و عطش شبخون زند خیبر تن پروری را بشکند

(چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۸۱)

همچنین اقبال لاهوری از رمزگان تاریخی - مذهبی برای تبیین اهداف خویش بهره برده است. واژه «خیبر» به فتح خیبر توسط امام علی (ع) اشاره دارد و بیانگر چهره‌ای قهرمانانه از روزه‌دار برای غلبه بر تن‌پروری است.

مومنان را فطرت افروز هست حج هجرت آموز و وطن سوز است حج

(چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۸۱)

در بیت فوق حج سه کارکرد «فطرت‌افروزی»، «هجرت‌آموزی» و «وطن‌سوزی» دارد. رمزگان «فطرت‌افروزی» حج را فرایندی از خودشناسی و بازگشت به سرشت اصیل انسانی تفسیر میکند. رمزگان فوق با اندیشه عرفانی درباره حج باطنی و حج اصغر (که در شعر بالا نیز برای نماز به کار رفته بود) همسو است. رمزگان «هجرت‌آموز» به بُعد تربیتی حج در اسلام و الگوی تاریخی هجرت پیامبر اکرم (ص) اشاره دارد. رمزگان «وطن‌سوز» احتمالاً به نفی ملیگرایی در فضای شبه‌قاره هند اشاره دارد و بیانگر رویکرد ویژه ایدئولوژیک فعالان ماهنامه طلوع اسلام به این مسأله است. در حقیقت رمزگان «وطن‌سوزی» نه تنها نفی ملیگرایی را در بر دارد؛ بلکه به دلیل قرار گرفتن در مجموعه کاربست حج، معنای اثباتی اسلامگرایی را در خود نهفته است. همچنین قرار گرفتن رمزگان «هجرت‌آموزی» و «وطن‌سوزی» دلالت بر گسست از وضع موجود و انتقال به جامعه آرمانی دارد این امر به گونه‌ای است که در باب زکات نیز به خوبی نمایان است.

حب دولت را فنا ساز و زکات هم مساوات آشناساز و زکات

(چشتی، جنوری ۱۹۳۹، ص ۸۱)

شاعر دو کارکرد «فناسازی حب دولت» و «آشناسازی مساوات» را برای زکات ذکر نموده است. احتمالاً کارکرد اول به نقش زکات در تضعیف نظام نابرابر انباشت ثروت (شاید تمدن غرب) و کارکرد دوم بیانگر رویکرد عدالت‌محور به امور اقتصادی است. دیدگاه فرهنگی اقبال لاهوری در رمزگان «آشناساز» آشکار است. در این بخش شاعر بر آن است با اسطوره‌زدایی از نظام حاکم بر شبه‌قاره هند به فهمی درخور از رمزگان اسلامی و تبدیل آن به ایدئولوژی حاکم بر شبه‌قاره هند دست یابد. از این رو استفاده از واژگانی مانند جهاد و هجرت و ترکیب آن با فروع دین، تلاشی برای تبدیل بعد فردی به اجتماعی در میان مسلمانان شبه‌قاره هند بود که به شکل جدایی پاکستان نمایان شد.

نتیجه‌گیری

در اواسط قرن بیستم میلادی مسلمانان شبه‌قاره هند به دنبال طرح جدایی پاکستان از هند به تلاشی متمرکز جهت رسیدن به استقلال سیاسی دست زدند. از عمده‌ترین این فعالیتها تأسیس ماهنامه با موضوعات سیاسی و اجتماعی با محوریت تشکیل پاکستان بود. یکی از مهمترین آنها ماهنامه طلوع اسلام است که اولین بار به اشاره اقبال لاهوری در ۱۹۳۵م. انتشار یافت. این ماهنامه عمده‌تاً تحت تأثیر گفتمان اقبال لاهوری و در ذیل آراء و اندیشه وی منتشر شد. یکی از مشخصات اساسی ماهنامه طلوع اسلام استفاده از اشعار برای انتقال مضامین ایدئولوژیک و اسلامی به جامعه مسلمانان شبه‌قاره هند است. در این راستا اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی بیشترین بازخورد را در ماهنامه طلوع اسلام داشت. تمرکز بر اشعار دو شاعر مذکور، نشان دهنده ایزاری بودن اشعار جهت هویت بخشی به مسلمانان شبه‌قاره هند بود. از منظر فلسفه سیاسی، سه مفهوم اساسی «خودی-بی‌خودی»، «امامت» و «دیگری» به عنوان رمزگان لایه ایدئولوژیک در اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی قابل فهم است. مفهوم «خودی»، منشأ هویت اصیل انسانی و سرچشمه قدرت، آزادی مسئولیت‌پذیری در شعر اقبال لاهوری مطرح شده است. اقبال لاهوری با تأکید بر خودآگاهی و عاملیت فردی، به دنبال بیداری مسلمانان و سوق دادن آنان به سوی خلاقیت و اراده است. رمزگان دوم مفهوم «بی‌خودی» به معنای فنا شدن در راه جامعه و امت، راهی برای رسیدن به کمال و جاودانگی تلقی میشود. دوگانه مذکور، در حقیقت بیانی متفاوت از تعامل فرد - جامعه و تلاش برای تعادل میان هویت فردی و جمعی است. رمزگان «امامت» به عنوان رکن اساسی در ایجاد وحدت امت است. اقبال لاهوری بر نقش رهبری در ایجاد وحدت امت و هدایت آن تأکید نموده و آن را از رموز بی‌خودی دانسته است. اشعار اقبال لاهوری و پیروانش در ماهنامه طلوع اسلام با تمرکز بر خلأ وجود امام در جامعه مسلمان شبه‌قاره هند، بر ضرورت وجود امام برای حفظ دین و ملت تأکید نموده است. رمزگان «دیگری» نیز با محوریت نقد غرب و استعمار، نقش مهمی در ساخت هویت «خودی» ایفا میکند. اقبال لاهوری با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی شبه‌قاره هند، غرب را به عنوان «دیگری» در نظر گرفته و به نقد مبانی تمدن غرب و استعمار پرداخته است. اقبال لاهوری معتقد است که مسلمانان به دلیل تضعیف خودی، هویت خویش را در برابر استعمار فکری و فرهنگی غرب از دست داده‌اند و برای احیای هویت خود، نیازمند بازگشت به مبانی اسلامی و نقد تمدن غرب هستند.

ماهنامه طلوع اسلام با استفاده از رمزگان ایدئولوژیک فوق، سه کارکرد اساسی هویت‌سازی، غیریت‌سازی و آگاهی بخشی را در قالب لایه واژگان موجود در اشعار اقبال لاهوری و اسد ملتانی ارائه داد. در کارکرد هویت‌سازی به دو گانه هویت فردی و اجتماعی در قالب بازتاب مفاهیم خودی و بی‌خودی توجه شد. در مفهوم خودی به واژگانی مانند «لا اله» و در مفهوم بی‌خودی به واژگانی مانند «مرکز»، «ملت» و «امام» توجه شد. این امر زمینه‌ساز اولین نظریه سیاسی و اجتماعی حول محور مفهوم «مرکز ملت» بود که جهت دستیابی به هویت سیاسی مستقل در جنبش پاکستان اتفاق افتاد. در کارکرد هویت‌سازی، تبیین مفهوم «خودی - بی‌خودی» به ایجاد بن‌مایه اولیه ملت پاکستان بر اساس دین اسلام منجر شد. کارکرد غیریت‌سازی در حقیقت ذیل گفتمان تشکیل پاکستان معنا یافت. به دلیل بافت اجتماعی شبه‌قاره هند و همچنین حاکمیت بریتانیا بر این منطقه، گونه‌ای یکپارچه‌سازی سیاسی و فرهنگی در جریان بود. کارکرد غیریت‌سازی در ماهنامه طلوع اسلام در حقیقت بر هم زننده سیاست یکپارچه‌سازی اجتماعی و بازتولید غیریت برساخته از تمدن غرب بود. بنابراین در کارکرد غیریت‌سازی به منظور تبیین مفهوم «دیگری» از واژگانی همچون «آدمیت»، «فرنگ» و «شب تمدن مغرب» استفاده گردید. در کارکرد آگاهی‌بخشی دینی توجه به فروع اسلام یعنی نماز، روزه، حج و زکات در قالب بازتاب واژگانی مانند هجرت و جهاد

نشان داده شد. این کارکرد در حقیقت تکمیل‌کننده هویت‌سازی اجتماعی و خودآگاهی جمعی بود. از این منظر استفاده از مفاهیمی مانند جهاد و ترکیب آن با فروع اسلام، تلاشی جهت تقویت ماهیت اجتماعی اسلام و پیوند آن با امر جهاد بود که به منظور تشکیل پاکستان مورد توجه قرار گرفت.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته تاریخ مصوب در دانشگاه تهران استخراج شده است. سرکار خانم دکتر خدیجه عالمی راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر نورالدین نعمتی بعنوان مشاور و دانشجو یوسف حیدرنژاد، پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه تاریخ دانشگاه تهران و مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی میکنند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCE

- A-J. (February 1939). "Tanqeed-o-Tabsara", [in urdu] Tolu-e-Islam Monthly, vol. 2, no. 10, pp. 12-16.
- Alemi, Khadijeh and yousuf heydarnezhad. (2022). " Historical Analysis of the Components of Society Reform in Darashikoh's Poems", Historical Sciences Studies, vol. 14, no. 1, pp. 53-69.
- Anonymous. (December 1938). "Safha-ye Aghazain" [Opening Page]. Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 8, p. 2.
- Anonymous. (July 1938). "Safha-ye Aghazain" [Opening Page]. Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 3, p. 2.
- Anonymous. (October 1935). "Tahdiya" [in urdu]. Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 1, p. 2.
- Anonymous. (September 1938). "Safha-ye Aghazain" [Opening Page]. Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 5, p. 2.

- Arab Ameri, Fatemeh; Abdullah Hassan-Zadeh Mirali; and Yadollah Shokri. (2021). "Analysis of Hamidi officials with a layered stylistic approach. Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab), vol. 14, no. 68, pp. 217–240.
- Chishti Barelvi, Yusuf Saleem. (September 1936). "Zarb-e-Kaleem Par Ek Ta'irana Nazar", [in urdu] Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 1, pp. 59–74.
- Chishti, Khan Muhammad Yusuf Khan Saleem. (January 1939). "Tafsir-e Asrar-e-Khudi: Mubahis-e Sheshom", [in urdu] Tolu-e-Islam Monthly, vol. 2, no. 9, pp. 77–83.
- Chishti, Khan Muhammad Yusuf Khan Saleem. (November 1938). "Tafsir-e Asrar-e-Khudi: Mubahis-e Sheshom", [in urdu] Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 7, pp. 65–80.
- Chishti, Khan Muhammad Yusuf Khan Saleem. (October 1938). "Tafsir-e Asrar-e-Khudi", [in urdu] Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 6, pp. 22–25.
- Fotouhi Rudmajani, Mahmoud. (2011). Sabk-Shenasi: Nazariye-ha, Ruykard-ha, va Ravesh-ha, [in Persian] Tehran: Sokhan.
- Ilahi Bakhsh, Khadim Hussain. (2000). Al-Qur'aniyyun wa Shubahatuhum Hawl al-Sunna [in Arabic]. Taif: Maktabat al-Siddiq.
- Jacks, Roy. (2006). Fifty key figures in Islam. Taylor & Francis.
- Jafri, Aqeel Abbas. (2010). Pakistan Chronicle. Karachi: Wirsat.
- Jahangirian, Akram and Manijeh Fallahi. (2022). "Tahlil-e Sabk-Shenasi-ye Laye'i-ye Ash'ar-e Salman Herati". [in urdu] Specialized Quarterly of Persian Language and Literature, vol. 18, no. 31, pp. 21–35.
- Jalal, Ayesha. (2009). "Exploding communalism: the politics of Muslim Identity in South Asia", in Nationalist Movement in India: A Reader, Editor Śekhara Bandyopādhyāya, New Delhi: Oxford University Press, pp 179-198.
- Kaura, Uma. (1977). Muslims and Indian Nationalism: The Emergence of the Demand for India's Partition, 1928-40, New Delhi: Manohar.
- Kavakebian, Mostafa and Seyed mohammad Ahmadnejad. (2022). "Iqbal Lahori's political philosophy with emphasis on his desired political system " Quarterly of Political Thought in Islam, vol. 9, no. 32, pp. 79–101.
- Kiernan, V.G. (2013). Poems from Iqbal: Renderings in English Verse with Comparative Urdu Text. Oxford University Press and Iqbal Academy Pakistan.
- Lahori, Muhammad Iqbal. (1980). Kulliyat-e Ash'ar-e Farsi-ye Iqbal Lahori [in Persian]. Tehran: Javidan Publications.
- Lahori, Muhammad Iqbal. (2009). Bazsazi-e Andisheh-ye Dini dar Islam [in Persian]. Translated by Mohammad Baqaei Makan. Tehran: Ferdows Publications.
- Lahori, Muhammad Iqbal. (December 1938). "Gohar-ha-ye Nayab" [in urdu]. Tolu-e-Islam Monthly, vol. 1, no. 8, p. 41.

- Mir, Mustansir. (1990). *Tulip in the desert: A selection of the poetry of Muhammad Iqbal*. London: c.Hurts and Company, Publishers Ltd.
- Multani, Asad. (1991). *Iqbaliyat-e Asad Multani* [in urdu]. Lahore: Iqbal Academy Pakistan.
- Multani, Asad. (December 1939). "Tolu-e-Islam." [in urdu] *Tolu-e-Islam Monthly*, vol. 2, no. 8, p. 16.
- Multani, Asad. (n.d.). *Marsiya-e Iqbal* [in urdu]. Multan: Idara-e Roznama Shams.
- Multani, Asad. (November 1938). "Millat-e Bi-Imam" [in urdu]. *Tolu-e-Islam Monthly*, vol. 1, no. 7, p. 49.
- Parwez, Ghulam Ahmad. (2002). *Ma'raj-e-Insaniyat*, [in urdu] Lahore: Tolu-e-Islam Trust.
- Parwez, Ghulam Ahmad. (April 1985). "Majlis-e-Qalandaran-e-Iqbal" [in urdu] *Tolu-e-Islam Monthly*, vol. 38, no. 4, pp. 57-64.
- Pritchett, Frances. (2000). *Tarana-e-Hindi and Taranah-e-Milli: A Study in Contrasts*. Columbia University Department of South Asian Studies.
- Rasheed, Shahid; Ahmad, Humaira. (2019). "Discourse on Nationalism: Political Ideologies of Two Muslim Intellectuals, Maulana Hussain Ahmad Madani and Allama Muhammad Iqbal". *Journal of Islamic Thought and Civilization*. 09 (2): 127-147 .
- Rustam, Sa'd. (2005). *Al-Firaq wa al-Madhahib al-Islamiyya Mundhu al-Bidayat* , [in Arabic]. Damascus: Al-Awa'il lil-Nashr wa al-Tawzi.
- Schimmel, Annemarie. (1962). *Gabriel's Wing: a study of the religious ideas of Sir Muhammad Iqbal*. Brill Archive.
- Sevea, Iqbal Singh. (2012). *The Political Philosophy of Muhammad Iqbal: Islam and Nationalism in Late Colonial India*, Cambridge University Press.
- Sirhindi, Ahmad. (2004). *Maktubat-e Imam Rabbani*, [in Persian] Edited by Hasan Zarei and Ayoub Ganji. Zahedan: Sedighi.
- Taneja, V.R; Taneja, S. (2004). *Educational thinkers*. Atlantic Publishers & Dist.

فهرست منابع فارسی

- ا-ج. (فوریه ۱۹۳۹). «تنقید و تبصره»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد دوم، شماره دهم، صص ۱۲-۱۶.
- پرویز، غلام احمد. (۲۰۰۲). *معراج انسانیت*، لاهور: طلوع اسلام ترست.
- پرویز، غلام احمد. (آوریل ۱۹۸۵). «مجلس قلندران اقبال»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۳۸، شماره ۴، صص ۵۷-۶۴.
- جعفری، عقیل عباس. (۲۰۱۰). *پاکستان کرونیکل*، کراچی: ورثه.
- جهانگیریان، اکرم و منیژه فلاحتی. (۱۴۰۱). «تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار سلمان هراتی»، *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*، سال هجدهم، شماره سی و یکم، صص ۲۱-۳۵.

- چشتی بریلوی، یوسف سلیم. (سپتامبر ۱۹۳۶). «ضرب کلیم پر ایک طائرانه نظر»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۱، صص ۷۴-۵۹.
- چشتی، خان محمدیوسف خان سلیم. (اکتبر ۱۹۳۸). «تفسیر اسرار خودی»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۶، صص ۲۵-۲۲.
- چشتی، خان محمدیوسف خان سلیم. (جنوری ۱۹۳۹). «تفسیر اسرار خودی مبحث ششم»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۲، شماره ۹، صص ۸۳-۷۷.
- چشتی، خان محمدیوسف خان سلیم. (نوامبر ۱۹۳۸). «تفسیر اسرار خودی مبحث ششم»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۷، صص ۸۰-۶۵.
- رستم، سعد. (۲۰۰۵). *الفرق و المذاهب الاسلامیه منذ البدايات*، دمشق: الاوائل للنشر و التوزيع.
- سیرهندي، احمد. (۱۳۸۳). *مکتوبات امام ربانی*، تصحیح حسن زارعی و ایوب گنجی، زاهدان: صدیقی.
- عالمی، خدیجه و یوسف حیدرنژاد. (۱۴۰۱). «تحلیل تاریخی مؤلفه‌های اصلاح جامعه در دیوان داراشکوه»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۶۹-۵۳.
- عرب عامری، فاطمه؛ عبدالله حسن‌زاده میرعلی و یدالله شکری (۱۴۰۰) «تحلیل و بررسی مقامات حمیدی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/دب)*، دوره ۱۴، شماره ۶۸، صص ۲۱۷-۲۴۰.
- فتوحی رود معجنی. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- کواکبیان، مصطفی و سیدمحمد احمدنژاد. (۱۴۰۱). «فلسفه سیاسی اقبال لاهوری با تأکید بر نظام سیاسی مورد نظر وی»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۱۰۱-۷۹.
- لاهوری، محمداقبال. (۱۳۵۹). *کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری*، تهران: انتشارات جاویدان.
- لاهوری، محمداقبال. (۱۳۸۸). *بازسازی اندیشه دینی در اسلام*، ترجمه محمد بقائی ماکان، تهران: انتشارات فردوس.
- لاهوری، محمداقبال. (دسامبر ۱۹۳۸). «گهرهای نایاب»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۸، صص ۴۱.
- ملتان، اسد. (۱۹۹۱). *اقبالیات اسد ملتانی*، لاهور: اقبال آکادمی پاکستان.
- ملتان، اسد. (بی‌تا). *مرثیه اقبال*، ملتان: اداره روزنامه شمس.
- ملتان، اسد. (دسامبر ۱۹۳۹). «طلوع اسلام»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۲، شماره ۸، صص ۱۶.
- ملتان، اسد. (نوامبر ۱۹۳۸). «ملت بی‌امام»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۷، صص ۴۹.
- نویسنده نامعلوم. (اکتبر ۱۹۳۵). «تهدیه»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۱، صص ۲.
- نویسنده نامعلوم. (جولای ۱۹۳۸). «صفحه آغازین»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۳، صص ۲.
- نویسنده نامعلوم. (دسامبر ۱۹۳۸). «صفحه آغازین»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۸، صص ۲.
- نویسنده نامعلوم. (سپتامبر ۱۹۳۸). «صفحه آغازین»، *ماهنامه طلوع اسلام*، جلد ۱، شماره ۵، صص ۲.
- الهی‌بخش، خادم حسین. (۱۴۲۱). *القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، الطائف: مکتبه الصدیق*.
- Jackso, Roy. (2006). *Fifty key figures in Islam*. Taylor & Francis.
- Jalal, Ayesha. (2009). "Exploding communalism: the politics of Muslim Identity in South Asia", in *Nationalist Movement in India: A Reader*, Editor Śekhara Bandyopādhyāya, New Delhi: Oxford University Press, pp 179-198.

- Kaura, Uma . (1977). *Muslims and Indian Nationalism: The Emergence of the Demand for India's Partition, 1928-40*, New Delhi: Manohar.
- Kiernan, V.G. (2013). *Poems from Iqbal: Renderings in English Verse with Comparative Urdu Text*. Oxford University Press and Iqbal Academy Pakistan.
- Mir, Mustansir. (1990). *Tulip in the desert: A selection of the poetry of Muhammad Iqbal*. London: c.Hurts and Company, Publishers Ltd.
- Pritchett, Frances. (2000). *Tarana-e-Hindi and Taranah-e-Milli: A Study in Contrasts*. Columbia University Department of South Asian Studies.
- Rasheed, Shahid; Ahmad, Humaira. (2019). "Discourse on Nationalism: Political Ideologies of Two Muslim Intellectuals, Maulana Hussain Ahmad Madani and Allama Muhammad Iqbal". *Journal of Islamic Thought and Civilization*. 09 (2): 127–147.
- Schimmel, Annemarie. (1962). *Gabriel's Wing: a study of the religious ideas of Sir Muhammad Iqbal*. Brill Archive.
- Sevea, Iqbal Singh. (2012). *The Political Philosophy of Muhammad Iqbal: Islam and Nationalism in Late Colonial India*, Cambridge University Press.
- Taneja, V.R; Taneja, S. (2004). *Educational thinkers*. Atlantic Publishers & Dist.

معرفی نویسندگان

یوسف حیدر نژاد: دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: headarnejad.y@ut.ac.ir)
(ORCID: 0009-0007-1047-8509)

خدیجه عالمی: استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: alemi1900@ut.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: 0009-0000-4170-5718)

نورالدین نعمتی: دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: n.nemati@ut.ac.ir)
(ORCID: 0009-0009-2128-4683)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Yousef Heydarnejad: PhD student, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: headarnejad.y@ut.ac.ir)
(ORCID: 0009-0007-1047-8509)

Khadija Alemi: Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: alemi1900@ut.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0009-0000-4170-5718)

Noureddin Nemati: Associate Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: n.nemati@ut.ac.ir)
(ORCID: 0009-0009-2128-4683)